

دو فصل نامه علمی - اختصاصی مطالعات تطبیقی حقوق در ادیان

شماره دوم / زمستان ۱۴۰۰ / ص ۵-۲۶

بررسی تطبیقی حقوق زن در دیدگاه شیعه و اهل سنت^۱

هاشم مجتهدی^۲

چکیده:

اسلام در مورد حقوق زن و مرد فلسفه خاصی دارد و برای زن و مرد در همه موارد یک نوع حقوق و یک نوع وظیفه و یک نوع مجازات قائل نشده است. پاره ای از حقوق و تکالیف و مجازات ها را برای مرد مناسب تر دانسته و پاره ای از آنها را برای زن. در نتیجه، در مواردی برای زن و مرد وضع مشابه و در موارد دیگر وضع نامشابهی در نظر گرفته است. در فقه شیعه و مذاهب اگانه حقوق زنان تفاوتی باهم دارند از جمله این حقوقها حق ارث، حق طلاق، حق قصاص، نفقه، مهریه و.. می باشد که در این تحقیق به بررسی و مقایسه این پنج حق در دیدگاه فقه شیعه و مذاهب اربعه می پردازیم.

کلیدواژه: نفقه، مهریه، قصاص، ارث، طلاق

۱ - تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۷

۲ - دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم (mojtahedi.h.yahoo.com)

بیان مسأله:

حقوق زنان و نقش و شخصیت اجتماعی آنان که از جمله مسائل مطرح قرن اخیر می باشد، از مطالعه ی دقیق منابع دینی، به ویژه قرآن کریم، به دست می آید که اسلام هرگز نظریه ی تحقیر و اهانت به زن را نمی پذیرد بلکه همواره نگرشی توأم با احترام و ویژه به وی ابراز داشته است. آیه ی فوق و ده ها آیه ی دیگر در قرآن، دلالت بر آن دارند که هم مردان و هم زنان، از یک حقیقت واحده آفریده شده اند. بنابراین همان طور که از اهل قبيله یا طایفه ای بودن افتخار نیست، زن یا مرد بودن نیز افتخار نخواهد بود؛ ارزش، کرامت و افتخار انسان از دیدگاه خداوند، تقوا و پارسایی است.

موقعیت زنان در اسلام، همواره مورد اختلاف نظر بوده است. با ظهور اسلام، زنده به گور کردن دختران که از آداب عرب بود، کنار گذاشته شد، در پیمان ازدواج به جای این که پدر دختر به دامادش کابین بپردازد، مقرر شد که شوهر به همسرش مهریه بپردازد. زنان حق مالکیت فردی به دست آوردند و حق میراث برای آن‌ها در نظر گرفته شد؛ در حالی که پیشتر فقط خویشاوندان مرد حق ارث بردن داشتند. به این صورت، با ظهور اسلام موقعیت اجتماعی زنان پیشرفت کرد. همچنین پیامبر اسلام بر حسب فرمان الهی در آیه دوازده سوره ممتحنه با شرایط معینی با زنان بیعت فرمود و بر مبنای آن بیعت، زنان را در امور سیاسی و شوون اجتماعی و اقتصادی شریک ساخت شریعت اسلام با توجه به تفاوت ویژگی‌های زنان و مردان تفاوت‌هایی برای تکالیف، حقوق و نقش‌های زنان و مردان قائل شده است. قرآن، مردان را قیّم و سرپرست زنان و مسؤول حفاظت از آن‌ها می داند .

مردان مسلط بر زنان و سرپرست ایشان‌اند چرا که خداوند برخی را بر برخی دیگر برتری داده است؛ پس مردان از اموال خویش به زنان نفقه دهند و زنان شایسته و مطیع و حافظان خانه در غیاب شوهر باشند و آنچه خداوند به نگهداری آن دستور داده، نگه دارند.

با این که در قرآن، مرد بر زن تسلط دارد؛ مردان به مهربانی و نیکویی با زنان توصیه شده‌اند. در این تحقیق برآنیم تا حقوق زنان را از دیدگاه فقه شیعه و مذاهب اربعه مورد بررسی قرار دهیم.

سوالات

حقوق زن چیست؟

حقوق زن در فقه شیعه چیست؟

حقوق زن در فقه اهل سنت چیست؟

مفاهیم

حقوق

(ح) [ع . ا] (ا) ج حق . ۱ - راستی ها، درستی ها. ۲ - وظایف ، تکالیف . ۳ - در فارسی به معنای دستمزد. ۴ - مجموعه قوانین ، قواعد و رسوم لازم الاجرائی که به منظور استقرار نظم در جوامع انسانی وضع یا شناخته شده است . ؛ ~ اجتماعی مجموعه حقوق فرد در پیوند با اجتماع . ؛ ~ بازنشستگی حقوقی که کارمند یا کارگر در دوران بازنشستگی می گیرد. ؛ ~ بشر مجموعه حقوق و اختیاراتی که به یک شخص به عنوان انسان و بدون در نظر گرفتن نژاد، ملیت ، تابعیت یا جنس او داده می شود. ؛ ~ بین الملل شاخه ای از علم حقوق که از قانون های حاکم بر روابط کشورها گفتگو می کند . (فرهنگ فارسی معین)

لفظ حق در لغت دارای معانی فراوانی است از جمله:

1- نقطه مقابل باطل

2- ثبوت و وجوب؛ همانگونه که در قرآن آمده است:

71 زمر " فرمان عذاب الهی بر کافران واجب شده است "

در این آیه حق به معنای ثبوت و وجوب است، یعنی عذاب کافران لازم و واجب شده است.

نیز گفته میشود: «یحق عليك أن تفعل كذا» ؛ یعنی بر تو واجب است که، این کار را انجام دهی .

نیز گفته میشود: «یحق لك أن تفعل كذا» بحق، در این جا به معنای «یسوغ» است.

یعنی برای تو جایز است که، چنین کاری را انجام دهی و همچنین، گفته میشود:

«أحق الله الحق» یعنی خداوند آن را برای مردم آشکار و اثبات کرده است.

«و[لی] خدا میخواست حق را با کلمات خود ثابت، و کافران را ریشه کن کند» .

«و استحق الشيء يستحقه» یعنی مستوجب چیزی گردید.

همانگونه که در قرآن آمده: ۱۰۷ / مائده

«و اگر معلوم شد که آن دو دستخوش گناه شده اند استحقاقاً، یعنی آن دو نفر مستوجب گناه و بدی شدند. واژه «حق» در قرآن فراوان ذکر گردیده و واضح است که مراد دقیق از آن بسته به سیاق و محل ورود آیات، متفاوت است اما دلالت کلی از آن خالی از معانی ثبوت و مطابقت با واقع نیست.

حق در اصطلاح فقیهان فقیهان شریعت اسلامی کلمه حق را بر پایه معنای واژگانی آن به کار برده‌اند و آن را بر هر چیزی اطلاق کرده‌اند با ثبوت شرعی ثابت است؛ یعنی آنچه به حکم شرع و اقرار آن به اثبات رسیده و به سبب آن اثبات، پشتوانهای شرعی هم دارد؛ بر این پایه برخی فقیهان اهل حدیث، حق را چنین تعریف نموده‌اند: «حق آن است، که با بیان شارع به اثبات رسیده و شارع از آن پشتیبانی کرده باشد.

لفظ حقوق در معانی مختلف بکار میرود از جمله:

۱- حقوق جمع حق و حق در اصطلاح عبارتست از «امتیازی که شخص در جامعه معین دارد». حقوق در این معنی به حقوق فردی تعبیر میشود.

۲- حقوق اصطلاحاً «عبارتست از» مجموعه قواعدی که تنظیم کننده و حاکم بر روابط اشخاص در جامعه معین میباشد. حقوق در این مفهوم به حقوق ذاتی به لحاظ آنکه قطع نظر از افراد جامعه مطرح میگردد تعبیر میشود. حقوق فردی ملازم با حقوق ذاتی میباشد. در نتیجه قواعد تنظیم کننده روابط افراد در جامعه که اختصاراً قواعد حقوقی یا قانون نامیده میشود برای افراد اختیار و توانائی تحصیل اراده خود به دیگران و الزام دیگران به رعایت آثار این اراده (اعمال حق) ایجاد میگردد.

در فقه اصطلاح خاص و عام در مورد حق بکار گرفته میشود در مفهوم خاص «حق، قدرت هر انسان برابر قانون بر انسان دیگر یا بر مال (مادی یا معنوی) و یا بر هر دو میباشد» و در مفهوم عام «حق، چیزی است که شارع وضع کرده است». به عبارتی دیگر حقوق در معنی اخیر وجدان و اراده عالیه جامعه (در مفهوم مورد نظر مکاتب مختلف) است که در عمل جانشین وجدان و اراده افراد همان جامعه میگردد. و یا به بیانی ساده حقوق قاعده الزامی و یا مجموعه چنین قواعد میباشد. حقوق در این معنی را حقوق عینی یا حقوق خارجی (نسبت به شخص) نیز نامیده‌اند. رشته‌های مختلف حقوق از جمله حقوق مدنی، حقوق تجارت، حقوق اساسی، حقوق بین‌الملل از جمله مصادیق این معنی است.

با عنایت به توضیح فوق میتوان گفت قاعده حقوقی آن چنان قاعده‌ای است که بر اعمال اشخاص از این جهت که در جامعه زندگی می‌کنند حکومت مینماید و اجرای آن از طرف قوه حاکمه تضمین میشود. از جمله ویژگیهای قاعده حقوقی کلیت و عمومیت، الزام آور بودن و بالاخره تضمین دولت در مرحله اجرای آن میباشد. (عبدی، علی؛ ۱۳۹۵)

نفقه:

نفقه، به مخارج ضروری مانند خوراک، پوشاک و مسکن گفته می‌شود که برای گذران زندگی مورد نیاز است. ازدواج، خویشاوندی و ملکیت از اسباب وجوب آن هستند.^۳

مهریه:

مهر یا **مهریه** مالی است که مرد به هنگام ازدواج، برای پرداخت به زن بر عهده می‌گیرد. مهریه حق زن است و او می‌تواند بلافاصله پس از عقد آن را مطالبه کند، این حق پس از فوت زن به ورثه او می‌رسد و آنان می‌توانند آن را از مرد مطالبه کنند.

ارث:

ارث به کلیه اموال، عناوین، بدهی‌ها، حقوق و وظایف شخص پس از مرگش گفته می‌شود که به شخص دیگری منتقل می‌گردد.

طلاق:

طلاق جدا شدن زن و شوهر از یکدیگر به وسیله فسخ عقد نکاح است. طلاق اگرچه در اسلام عملی مشروع و جایز قلمداد شده؛ اما بر پایه روایات منفورترین حلال نزد خداوند به شمار می‌رود.

قصاص:

قصاص در لغت به معنی سزای کار بد دادن است به معنای تلافی و استیفای عین جنایتی است که بر مجنی علیه وارد شده است.

^۳ امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۳۱۳.

حقوق زن در اسلام

اسلام شخصیت و حقوق زن را مورد توجه بسیار قرار داد؛ از جمله از نگرش و رفتار ناپسند عرب جاهلی درباره زنان و دختران، مانند زنده به گور کردن دختران، سخت انتقاد کرد.

حمایت قرآن از زنان

قرآن از یک سو از زنان در برابر ستم‌هایی مانند چند زنی نامحدود و غیرمتعهدانه،

به ارث بردن زن شوهر مرده

و محروم شدن زنان از حق مالکیت

حمایت نمود و از سوی دیگر، برای تضمین بیش‌تر عدالت، قواعدی عام تأسیس کرد که حاکم بر احکام و حقوق زن و مرد هستند؛ از جمله لزوم معاشرت پسندیده با همسران، قاعده همانندی و هم‌ترازی حقوق و وظایف همسران

و، در گستره‌ای وسیع‌تر، قواعد نفی عُسر و حَرَج و ممنوعیت اضرار .

زن و مرد از نگاه قرآن

قرآن، زن و مرد را از نظر حیثیت انسانی و کسب فضائل اخلاقی و پاداش‌های اخروی همتای یکدیگر معرفی نمود

و با تأیید پاره‌ای تفاوت‌های حقوقی بین آن‌ها در مواردی مانند سرپرستی خانواده، جواز تعدد زوجات برای مردان در محدوده‌ای معین، ارث و شهادت، اصل عدالت را به جای اصل برابری کامل، زیربنای حقوق زن قرار داد .

مفسران، به‌ویژه مفسران متأخر، در ذیل این آیات به برابری زن و مرد در حیثیت انسانی و نیز حکمت تشریح احکام نابرابر میان زنان و مردان توجه کرده‌اند .

برخورد پیامبر اکرم با زنان

سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در رعایت حقوق زنان و حرمت نهادن به آنان، موقعیت زنان را در خانواده و جامعه آن روز بسیار بهبود بخشید. برخورد عادلانه ایشان با همسران خود، تکریم عملی زنان، مذمت رفتارهای عرب جاهلی با آنان و توصیه مردان به رعایت حقوق زنان، از جمله کوشش‌های آن حضرت برای تصحیح دیدگاه جامعه، به‌ویژه مردان، درباره شخصیت زن بود. عبدالحلیم محمد ابوشقه در تحریر المرأة فی عصر الرسالة، وضع زنان صدر اسلام را به تفصیل بررسی کرده است.

احکام فقهی زنان

بخش مهمی از احکام منابع جامع فقهی، درباره حقوق زن است. به علاوه، تدوین احکام فقهی راجع به زن در قالب کتاب‌های مستقل، از دیرباز در بین فقهای امامی و اهل سنت متداول بوده است، از جمله (کتاب النساء جعفر بن محمد قولویه) متوفی ۳۶۷، احکام النساء شیخ مفید (متوفی ۴۱۳) و احکام النساء ابن جوزی (متوفی ۵۹۷)

دسته بندی احکام

در منابع جامع فقهی، احکام حقوق زن در ابواب گوناگونی مطرح شده است. دسته‌ای از آنها ناظر بر حقوق زن در خانواده است (مانند حضانت، مهر و نفقه (و بقیه حقوق شخص او، فارغ از جنبه زوجیت، است (مانند مالکیت بر داراییهای شخصی و ارث). در این میان برخی از احکام زنان با احکام مردان برابر نیست؛ این قبیل احکام بیش‌تر در مبحث نکاح قرار دارد. از جمله این احکام است: ولایت پدر و جد پدری در امر ازدواج فرزند نابالغ و ولایت نداشتن مادر، جواز تعدد زوجات برای مردان، حق کمتر زن در حضانت فرزند، اختصاص داشتن حق طلاق به زوج، تفاوت میزان ارث‌بری دختران و پسران از متوفی، جایز نبودن تصدی منصب قضا برای زن و تفاوت دیه مرد و زن.

عدالت در احکام زن و مرد

متفکران اسلامی این نابرابری در احکام شریعت را به سبب تفاوت‌های غریزی و طبیعی (اعم از جسمی و روانی) زن و مرد دانسته‌اند. به عقیده آنان، ویژگی‌های طبیعی در هر یک از دو جنس موجب شده که هریک از زن و مرد در برخی وظایف نقشی بیش‌تر یا انحصاری داشته باشند. آنان با یادآوری نقش اسلام در ایجاد برابری در حقوق بنیادین زن و مرد، مجموعه حقوق و تکالیف هریک از آن دو را برابر و متعادل دانسته و بر آن‌اند که آنچه در

مرحله وضع قوانیناهمیت دارد، تحقق عدالت حقوقی و ایجاد تعادل میان حقوق و تکالیف هر یک از دو جنس یا هر فرد انسان است، نه یکسان بودن همه قوانین برای تمامی افراد .

عدالت به معنای مساوات مطلق نیست و عمل کردن طبق اقتضائات تفاوت‌های واقعی تبعیض محسوب نمی‌شود . احکام مشترک زنان و مردان در اسلام، بر پایه جنبه‌های مشترک انسانی است و احکام اختصاصی آنان ناشی از ویژگی‌های متمایزشان است . همچنین اهمیت و کارکردهای متنوع و متعدد خانواده بر پایه متون دینی و فقه اسلامی، اقتضا دارد که نقش و جایگاه زن در خانواده، هم در مقام همسر و هم در مقام مادر، از لحاظ حقوقی تضمین و تثبیت شود .

اصل تفاوت میان زن و مرد

بیشتر اندیشمندان اجتماعی، اصل وجود تفاوت‌های طبیعی زن و مرد (اعم از تفاوت‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی) را پذیرفته‌اند . در مقابل، برخی از صاحب‌نظران فمینیست برآن‌اند که تفاوت‌های زن و مرد - جز برخی تفاوت‌های آشکار در ساختار بدن - از عوامل اجتماعی و محیطی و زمینه‌های فرهنگی ناشی شده‌اند . گروهی دیگر از آنان هرچند تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد را پذیرفته‌اند، به تأثیرگذاری آن‌ها بر تفاوت‌های حقوقی معترض‌اند . به نظر آنان زنان و مردان می‌توانند متفاوت و در عین حال برابر باشند . به هر حال، هرچند تفاوت برخی از حقوق زنان با مردان در احکام اسلام، از نظر ثبوتی بر مبانی حقوق طبیعی و اصل عدل، با توجه به تفاوت‌های ذاتی آنان، استوار است، از نظر اثباتی مصادیق و گستره این تفاوت‌های حقوقی، بدون مراجعه به متن دین و مستندات شرعی، دریافت نمی‌شود .

حساسیت استنباط احکام و حقوق زن

امروزه از سویی، به سبب تغییرات ماهوی بسیار در روابط خانوادگی و اجتماعی، موضوعات و مسائل جدیدی درباره زنان پدیدار شده است و از سوی دیگر، شبهات برون دینی متعددی درباره احکام و حقوق زن، به‌ویژه از جانب جنبش‌های دفاع از حقوق زنان، مطرح می‌شود که به حسب مورد، در مطالعات قرآنی و کلامی و فقهی محلّ توجه قرار می‌گیرد . تحلیل مباحث مربوط به حقوق زنان در متون دینی و فقه باید با رعایت ضوابط دقیق علمی صورت گیرد .

مثلاً احادیث ناظر بر احکام و حقوق زن را نمی‌توان بدون بررسی و تحلیل سند، دلالت، و محتوای آن‌ها قاطعانه به دین نسبت داد . نکته مهم در زمینه استنباط احکام فقهی، تأثیر زمان و مکان در این فرایند است .

همچنین تفکیک میان هنجارهای دینی از یک سو و عادات و رفتارهای برآمده از سنت‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی از سوی دیگر، درخور توجه‌اند .

حقوق زن در فقه شیعه

مهریه

در ارتباط با مهریه به کیفیت آن، مشهور بین فقهای امامیه آن است که: هر چه مسلمان بتواند مالک آن شود صحیح است مهر قرار داده شود. ممکن است مهریه عین باشد یعنی خود یک چیز مته خانه و زمین و یا منافع یک چیز باشد مانند اجاره خانه یا میوه درختان باغ یا منافع حیوانات هم چنین می توان کار و اعمال انسان مثل آموزش یک هنر یا فنی را مهر قرار داد. هم چنین بر گونه حق مالی مثل «حق تحجیر که قبل نقل و انتقال باند را می توان مهر قرار داد.

همچنین، در میزان مهر این فقها امامیه اختلاف وجود دارد، اکثریت فقهای امامیه معتقدند مستحب است مبلغ با مقدار مهر بسیار کم باشد از مهر السنه تجاوز ننماید ولی به هر مبلغی که زوجین توافق نمایند ولی چندین برابر مهر السنه باشد صحیح است و بر مرد واجب است آن را پرداخت نماید و گروه دیگر معتقدند مهر نباید از پانصد درهم، معادل پنجاه دینار نیز نمایند و چنانچه پیش از آن مقرر گردد به همین مقدار برگشت خواهد کرد. این مقدار را اصطلاحاً مهر اسنه نامیده اند، به آن جهت که رسول الله (ص) تمامی همسران خویش را به این مقدار کابین بست. حتی سید مرتضی در این مورد ادعای اجماع نموده است. البته مستند سید مرتضی روایتی است که مشهور آن را رد کرده است. صاحب جواهر معتقد است اخبار مربوط به تحدید مهر به مهر السنه فقط استحباب را می رساند و تعیین مهریه بیشتر باطل نمی باشد.

نفقه

از سویی دیگر یکی دیگر از حقوق مالی زنان که در سطح خانواده مطرح شده است، نفقه نام دارد، در وجوب نفقه، در صورت انحلاله نکاح، به سبب طلاق رجعی در طلاق بائن زن حامله، بین مذهب اختلافی وجود ندارد؛ همان گونه که در عدم وجوب آن در انحلال نکاح به سبب قوت زوج بر طلاق بائن زن غیر حامله، اختلافی نیست، مگر در وجوب مسکن، که بنا بر نشر برخی از فقهای مذاهب فقهی تا پایان عده طلاق بائن، زال مستحق آن است.

ارث

در تفسیر المیزان آمده است: «نظر اسلام در خصوص تقسیم ثروت موجود جهان به نسبت تثلیث قرار داده شده که زنان و مردها آن را تملک می کنند ولی در مصرف عملاً طوری مقرر شده که نسبت معکوس گردیده است یعنی در تملک، مرد دو برابر زن ولی در مصرف، زن دو برابر بهره مند می شود؛ زیرا از همان سهم مرد نیز، به زن می رسد ولی زن مال خود را برای خودش هزینه می کند».

قصاص

فقهای شیعه راجع به نحوه ی قصاص مرد در قبال کشتن زن اتفاق نظر دارند، بدین صورت که قصاص مرد در صورت قتل زن، مشروط به پرداخت نصف دیه به بستگان مرد است و هیچ قول مخالفی از ایشان در این زمینه نقل نشده است.

طلاق

عقد ازدواج به دست زن است. عقد مرکب است از دو رکن ایجاب و قبول. حضرت امام(ره) عقیده دارند که «قبول» قابل، دخالتی در ماهیت عقد ندارد. قبول قابل پذیرفتن انشاء است نه دخالت در ماهیت عقد زن در ازدواج، ایجاد می کند و پیوند ازدواج را پدید می آورد اما طلاق به دست مرد است «الطلاق بید من اخذ بالساق» در توضیح المسائل مراجع تصریح شده است: «اگر زن در ضمن عقد شرط کند که طلاق به دست او باشد، چنین شرطی باطل است» و همه ی مراجعی که فتوای آن ها در این رساله ذکر شده است، مانند آیات عظام گلپایگانی، اراکی، خویی، مکارم، صافی، تبریزی و سیستانی این حکم را تایید نموده اند. خلاصه این که تسلط مرد بر طلاق در فقه امری بدیهی و ضروری بوده، قول خلافی در این مساله نیست.

حقوق از دیدگاه اهل سنت

مهریه

بنابر نظر فقهای اهل سنت، هر مالی که شما قیمت داشته باشد، خواه عین باشد مانند طلا و نقره فر با منفعت مباح که قابل تقویم به مال باشد و یا دینی که در ذمه قرار گیرد می تواند مهر باشد و هر مالی که شرعا قابل تقویم نباشد نمی تواند مهر قرار گیرد شافعیه و حنبلیه در ارتباط با میزان مهریه می گویند مهر حدی ندارد و برای این موضوع به این آیه استدلال می کنند که می فرماید: «ان تبغوا بأموالکم آیه مزبور ازدواج را به مهر مشروط کرده و مقدار معینی را هم تعیین نکرده است، در این باب احادیث را هم به منظور تأیید مطلب ذکر کرده اند.

نفقه

از سویی دیگر یکی دیگر از حقوق مالی زنان که در سطح خانواده مطرح شده است، نفقه نام دارد، در وجوب نفقه، در صورت انحلال نکاح، به سبب طلاق رجعی در طلاق بائن زن حامله، بین مذهب اختلافی وجود ندارد؛ همان گونه که در عدم وجوب آن در انحلال نکاح به سبب قوت زوج بر طلاق بائن زن غیر حامله، اختلافی نیست، مگر در وجوب مسکن، که بنا بر نشر برخی از فقهای مذاهب فقهی تا پایان عده طلاق بائن، زال مستحق آن است. در صورت تنگدستی شور و عدم پرداخت نفقه به همسر خویش، مبان فقهای مذهب، در حق فسخ نکاح برای توجه با عدم آن و بین مدیون شدن زوج در مورد نفقه گذشته و عدم آن، اختلاف وجود دارد، اما در صورتی که شوهر بر ادای نفقه عاجز نبوده بلکه از دادن نفقه به زوجه استنکاف کند، در حق رجوع زوجه به حکم و تصرف حاکم در اموال زوج با شرایط خرد، اختلافی وجود ندارد، اصل وجوب نفقه، مسأله ای اجماعی است و همه فقهای مذاهب خمس بر آن اتفاق نظر دارند در مذاهب چهارگانه اهل سنت به دلیل عقلی بر وجوب نفقه، استدلال شده است. از آنجا که شوهر به جهت استمتاعاتی که از زوجه دارد، باعث می شود زوجه از برخی منافع محروم و محبوس گردد باید مئونه به هزینه های زندگی زوجه اش را در عوض این احتباس یا به جزای این احتباس تأمین نماید، همچنان که امام از بیت المال باید نفقه کسانی را که به جنگ رفته اند به جهت آن که نفوس خویش را برای جهاد حبس کرده اند، بپردازد. بنابراین شوهر نیز با یه نفقه زوجه اش را که نفوس خویش را برای استمتاع و ی حبس تموده، بپردازد در شرع برای نفقه، مقدار معین مشخص نگردیده است و به همین خاطر اختلافات بسیاری میان فقها برای تشخیص نفقه و مصادیق آن وجود دارد و فقها در بیان انواع در مصادیق نفقه برخی سه برخی شده بعضی هفت و در نهایت هشت مورد را ذکر نموده اند.

ارث

در فقه شافعی با مرگ زوج در صورت ذات ولد بودن زوجه یک هشتم تمام اموال و در صورت عدم ذات ولد بودن یک چهارم تمام اموال را به ارث می برد ، حال اگر زوجه تنها وارث باشد همه اموال زوج را به ارث می برد.

قصاص

فقهای مذاهب اسلامی درباره حکم قصاص زن در برابر مرد، اختلاف نظر دارند و در این مورد، به دو گروه تقسیم شده‌اند: گروهی معتقدند که مرد در برابر زن مقتول قصاص میشود؛ البته مشروط به رد فاضل دیه. اما گروهی دیگر از فقها معتقدند که مرد بدون پرداخت رد فاضل، باید قصاص شود.

طلاق

مذهب حنفیه

در این مذهب، طلاق بوسیله زوج یا غیر زوج صورت می گیرد و طلاق توسط غیر زوج به سه صورت می تواند واقع شود.

وکالت : شوهر به فردی غیر از همسر خود وکالت دهد که زن او را طلاق دهد.

رسالت؛ شوهر فردی را نزد همسر خود بفرستند و به او پیام دهد که شوهرت گفت اختیاری (اختیار کن) در این صورت زن حق انتخاب طلاق می یابد، چه طلاق رجعی و چه باین.

نفویض که در سه صورت محقق می شود.

الف: سپردن امر طلاق به دست زن با گفتن «امرک بیدک»

ب: مخیر کردن زوجه با گفتن اختیاری (اختیار کن) تنها تفاوت این مورد با مورد قبلی در این است که در مخیر کردن مرد نمی تواند سه طلاق را نیت کرده باشد ولی در امرک بیدک می تواند نیت سه طلاق نماید.

ج: معلق کردن طلاق بر خواسته زن با گفتن «تو مطلقه هستی اگر بخواهی» بر طبق منابع و فتاوی‌ای مذهب حنفی حقی که به صورت تفویض در مورد اول و سوم به زن داده شد منحصر به همان مجلس است و چنانچه زن همان موقع انتخاب صورت ندهد، پس از آن حق انتخاب ندارد. (جعفر پور، بی تا، ۴۴)

مذهب مالکی

در مذهب مالکی طلاق توسط غیر زوج به سه صورت می‌تواند واقع شود

وکالت

تملیک: مالک کردن زن بر حق طلاق خود را در این صورت امکان عزل زوجه وجود ندارد.

تخیر: مخیر کردن زوجه بین باقی ماندن در کنار زوج یا فراق، چنانچه زن جدایی را انتخاب کند سه طلاق به حساب می‌آید. (جعفر پور، بی تا، ۴۴)

«از مالک؛ به نقل از یحیی بن سعید عن سعید بن سيب، او گفته است وقتی که مردی اختیار طلاق را به زوجه اش واگذار نمود و زن طلاق را اختیار نکرد طلاق واقع نشده است.» (ابن انس، ۱۳۷۰، ۵۵۵۹/۲)

مذهب شافعی

«در این مذهب چنانچه از سوی مرد، زن مالک بر انتخاب طلاق شود می‌تواند جدایی را انتخاب کند و این حق برای همسر فوری است و اگر همان موقع از آن استفاده نکند دیگر نمی‌تواند خود را مطلقه سازد.» (ابن ادریس شافعی، ۱۴۱۱، ۵۵۲)

مذهب حنبلی

آنچه از منابع فقهی مذهب حنبلی به دست می‌آید آن است که ظاهراً این گروه فقط وکالت زن را در امر طلاق پذیرفته اند مذهب حنبلی به مسأله جدایی زن و شوهر نگاه می‌کند و طلاق را حق انحصاری می‌داند. که یا خود آنرا اعمال می‌کند و یا به صورت وکالت به دیگری واگذار می‌کند و ممکن است که دیگری زوجه باشد یعنی شوهر می‌تواند به طور مطلق و بدون شرط به همسر خود وکالت در طلاق خود دهد. (ابن قدامه، ۷، ۶۸/۸۷۵،^۴)

^۴ نظر کلی مذاهب چهارگانه اهل سنت به مسئله اختیار طلاق ۱۳۹۵

نتیجه گیری

وجود و ماهیت زن، این موجود بسیار لطیف هستی، ظرافت هایی دارد که شناخت ابعاد آن کنکاش های متعددی می طلبد. جامعه شناسان و اندیشمندان علوم تجربی بارها از ویژگی های ذاتی و طبیعت و سرشت این مخلوق یاد کرده اند. دنیای متفاوت زنان با توجه به نوع نگاهی که آنان به اطراف خود دارند، هر از چند گاهی باعث شده تا وجود و ماهیت زن، این موجود بسیار لطیف هستی، ظرافت هایی دارد که شناخت ابعاد آن کنکاش های متعددی می طلبد. جامعه شناسان و اندیشمندان علوم تجربی بارها از ویژگی های ذاتی و طبیعت و سرشت این مخلوق یاد کرده اند. دنیای متفاوت زنان با توجه به نوع نگاهی که آنان به اطراف خود دارند، هر از چند گاهی باعث شده تا صاحب نظران و متفکران علم جامعه شناسی در این حیطة قلم فرسایی کنند.

در دین اسلام زن از چنان اهمیت و ارزش والایی برخوردار است که خداوند سوره ای به نام نساء در مورد زنان نازل کرده است و در بسیاری سوره های قرآن در مورد زنان آیاتی نازل کرده است. و همچنین در مورد حقوق زنان آیاتی نازل شده است. حقوق زنان در دین اسلام مشخص شده است در پاره ای از موارد نظر فقهای شیعه و ۴ مذهب اهل سنت با یکدیگر متفاوت است.

مهریه: در فقه شیعه هر چه مسلمان بتواند مالک آن شود صحیح است مهر قرار داده شود. بنابر نظر فقهای اهل سنت، هر مالی که شما قیمت داشته باشد، خواه عین باشد مانند طلا و نقره فر با منفعت مباح که قابل تقویم به مال باشد و یا دینی که در ذمه قرار گیرد می تواند مهر باشد و مهر حدی ندارد.

نفقه: در مورد نفقه اختلافی میان فقهای شیعه و اهل سنت وجود ندارد نفقه بر مرد واجب است. در ۴ مذهب اهل سنت در مورد نفقه اختلافاتی وجود دارد.

ارث:

در تفسیر المیزان آمده است: «نظر اسلام در خصوص تقسیم ثروت موجود جهان به نسبت تثلیث قرار داده شده که زنان و مردها آن را تملک می کنند ولی در مصرف عملاً طوری مقرر شده که نسبت معکوس گردیده است یعنی در تملک، مرد دو برابر زن ولی در مصرف، زن دو برابر بهره مند می شود؛ زیرا از همان سهم مرد نیز، به زن می رسد ولی زن مال خود را برای خودش هزینه می کند».

در فقه شافعی با مرگ زوج در صورت ذات ولد بودن زوجه یک هشتم تمام اموال و در صورت عدم ذات ولد بودن یک چهارم تمام اموال را به ارث می برد ، حال اگر زوجه تنها وارث باشد همه اموال زوج را به ارث می برد

از نظر ارث در دیدگاه فقهای شیعه و ۴ مذهب اهل سنت اختلافی دیده نمی شود..

قصاص:

فقهای شیعه راجع به نحوه ی قصاص مرد در قبال کشتن زن اتفاق نظر دارند، بدین صورت که قصاص مرد در صورت قتل زن، مشروط به پرداخت نصف دیه به بستگان مرد است و هیچ قول مخالفی از ایشان در این زمینه نقل نشده است.

فقهای مذاهب اسلامی درباره حکم قصاص زن در برابر مرد، اختال فنظر دارند و در این مورد، به دو گروه تقسیم شده‌اند: گروهی معتقدند که مرد در برابر زن مقتول قصاص میشود؛ البته مشروط به رد فاضل دیه. اما گروهی دیگر از فقها معتقدند که مرد بدون پرداخت رد فاضل، باید قصاص شود.

دیدگاه فقه شیعه با دیدگاه اول اهل سنت هم نظراست و با دیدگاه دوم اهل سنت اختلاف دارد.

طلاق:

در فقه شیعه طلاق به دست مرد است «الطلاق بید من اخذ بالساق» در توضیح المسائل مراجع تصریح شده است: «اگر زن در ضمن عقد شرط کند که طلاق به دست او باشد، چنین شرطی باطل است» و همه ی مراجعی که فتوای آن ها در این رساله ذکر شده است، مانند آیات عظام گلپایگانی، اراکی، خویی، مکارم، صافی، تبریزی و سیستمی این حکم را تایید نموده اند. خلاصه این که تسلط مرد بر طلاق در فقه امری بدیهی و ضروری بوده، قول خلافی در این مساله نیست.

در مذاهب ۴ گانه اختلاف نظر شدیدی در مورد طلاق وجود دارد

در این مذهب، طلاق بوسیله زوج یا غیر زوج صورت می گیرد و طلاق توسط غیر زوج به سه صورت می تواند واقع شود.

در مذهب مالکی طلاق توسط غیر زوج به سه صورت می تواند واقع شود

در این مذهب چنانچه از سوی مرد، زن مالک بر انتخاب طلاق شود می تواند جدایی را انتخاب کند و این حق برای همسر فوری است و اگر همان موقع از آن استفاده نکند دیگر نمی تواند خود را مطلقه سازد.» (ابن ادریس شافعی، ۱۴۱۱، ۵۵۲)

مذهب حنبلی

آنچه از منابع فقهی مذهب حنبلی به دست می آید آن است که ظاهراً این گروه فقط وکالت زن را در امر طلاق پذیرفته اند.

منابع:

قرآن کریم

- نسرین مصفا، مشارکت سیاسی زنان در ایران، ج ۱، ص ۱۰۲، تهران ۱۳۷۵ش
- ویلیام جیمز دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، بخش ۲، ص ۱۱۱۱-۱۱۱۲، تهران ۱۳۶۷ش.
- حسن پیرنیا، ایران باستانی، ج ۱، ص ۴۱۳-۴۱۷، یا، تاریخ ایران از زمان بسیار قدیم تا انقراض دولت ساسانی، تهران ۱۳۰۶ش.
- جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۵، ص ۵۲۶-۵۶۸، بغداد ۱۴۱۳ / ۱۹۹۳.
- فرخرو پارسای، هما آهی، ج ۱، ص ۱۷۶، و ملکه طالقانی، زن در ایران باستان، تهران ۱۳۴۶ش.
- فرخرو پارسای، هما آهی، ج ۱، ص ۱۸۱، و ملکه طالقانی، زن در ایران باستان، تهران ۱۳۴۶ش.
- دائرةالمعارف زنان و فرهنگ‌های اسلامی، ج ۵، ص ۱۹۶-۱۹۹.
- ویلیام جیمز دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، بخش ۱، ص ۴۶۱-۴۶۲، تهران ۱۳۶۷ش.
- دائرةالمعارف جودائیکا، ج ۱۶، ستون ۶۲۳-۶۲۵.
- ۱۲۴، طوسی، ذیل سوره نساء، التبیان فی تفسیر القرآن.
- ۲۸۲، طبرسی، ذیل سوره بقره، مجمع البیان فی تفسیر القرآن.
- ۳۴، محمد بن احمد قرطبی، ذیل سوره نساء، الجامع لاحکام القرآن، بیروت ۱۴۰۵ / ۱۹۸۵.
- ۱۹۵، عبدالرحمان بن محمد ثعالبی، ذیل سوره آل عمران، تفسیرالثعالبی، المسمى بالجواهرالحسان فی تفسیرالقرآن، چاپ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت ۱۴۱۸ / ۱۹۹۷.
- ۳، محمد رشیدرضا، ذیل سوره نساء، تفسیرالقرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، (تقریرات درس) شیخ محمد عبده، مصر ۱۳۷۴.

- ۳۴- محمد رشیدرضا، ذیل سوره نسا، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، (تقریرات درس) شیخ محمد عبده، مصر ۱۳۷۴.
- محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۶۰-۲۷۸، بیروت ۱۳۹۰-۱۳۹۴ / ۱۹۷۱-۱۹۷۴.
- محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۵۹-۱۶۰، (چاپ محمد ذهنی افندی)، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱، چاپ افست (بیروت)
- محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۸، ص ۱۴۹، (چاپ محمد ذهنی افندی)، استانبول ۱۹۸۱/۱۴۰۱، چاپ افست (بیروت)
- مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۱۹۹، بیروت: دارالفکر.
- ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۳۸، چاپ محمدفؤاد عبدالباقی، (قاهره ۱۳۷۳ / ۱۹۵۴)، چاپ افست (بیروت)
- حرّ عاملی، وسائل الشیعۀ، ج ۲۰، ص ۱۶۷-۱۷۱.
- حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۹-۲۵۱، قم ۱۴۰۷-۱۴۰۸.
- حاجی خلیفه، ج ۱، ستون ۲۱.
- آقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعۀ، ج ۲۴، ص ۱۳۲.
- یقره/سوره ۲، آیه ۲۲۸.
- محمدحسین طباطبائی، تعدد زوجات و مقام زن در اسلام، ج ۱، ص ۸۴-۸۹، قم: آزادی.
- مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۴، قم ۱۳۵۷ش.
- سیدقطب، العدالۀ الاجتماعیۀ فی الاسلام، ج ۱، ص ۵۴-۵۵، مصر ۱۳۷۷ / ۱۹۵۸.

۱. ناصر مکارم شیرازی، الأمثل فی تفسیر کتاب اللہ المنزل، ج ۲، ص ۱۵۰، (قم)
۲. حسین بستان، «جایگاه خانواده از دیدگاه اسلام و فمینیسم»، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۸، تهران، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱ش.
۳. جین فریدمن، فمینیسم، ج ۱، ص ۲۳-۳۳، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران ۱۳۸۱ش.
۴. حمیرا مشیرزاده، از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۱، تهران ۱۳۸۲ش.
۵. دایرةالمعارف فلسفه راتلیج، ج ۳، ص ۵۷۶-۵۷۹.
۶. دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «حقوق زن»، شماره ۶۳۵۳.
۷. علاوه بر قرآن و کتاب مقدس عهد جدید .
۸. آقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه .
۹. زهرا آیت اللهی، «حق شرط، نیرنگی برای الحاق»، کتاب نقد، ش ۲۹ (زمستان ۱۳۸۲).
۱۰. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، چاپ محمدفؤاد عبدالباقی، (قاهره ۱۳۷۳ / ۱۹۵۴)، چاپ افست (بیروت).
۱۱. امام خمینی، صحیفه نور، تهران، ج ۱، ۲، ۱۳۷۰ش، ج ۳، ۱۳۷۱ش .
۱۲. جیمز نورمن دالریمل اندرسون، تحولات حقوقی جهان اسلام، ترجمه فخرالدین اصغری، جلیل قنواتی، و مصطفی فضائلی، قم ۱۳۷۶ش .
۱۳. حسین بستان، «جایگاه خانواده از دیدگاه اسلام و فمینیسم»، در مجموعه مصاحبه‌ها، مقالات و میزگردهای همایش
۱۴. نبی بن سعدون، حقوق زن: از آغاز تا امروز، ترجمه گیتی خورسند، تهران ۱۳۷۹ش .
۱۵. جوادعلی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بغداد ۱۴۱۳ / ۱۹۹۳ .
۱۶. حقوق و تکالیف زن در اسلام مؤلف: دکتر عبدالکریم زیدان مترجم: سهیلا رستمی

مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، قم ۱۳۵۷ ش .